

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صل الله على محمد و آله الطاهرين

جلسه پنجاه و هشتم؛ ۱۶/۱۰/۱۴۰۲ فقه العروة الوثقى (اجتهاد و تقلید) استاد علی دوست

تذکر

اگر خاطرتان باشد ما بقا بر تقلید و شروع ابتدایی تقلید از میت را نپذیرفتیم و دو اقتراح بیان کردیم. سؤالی مطرح شد که ما اقتراح سومی را هم اضافه کردیم و آن صورتی است که مجتهد نمرده و به مرگ مغزی (موت سریری) مبتلا شده است یا دچار کما (غیوبت) یا بیهوشی می شود. به نظر می آید مناط «لا رأی للمیت» در اینجا هم جاری است، زیرا کسی که مثلاً در کما رفته یا مرگ مغزی شده یا بیهوش است، آنها رأی ندارند. لکن در کما و بیهوشی گفته می شود امکان بازگشت است؛ اما در مرگ مغزی امکان بازگشت نمی باشد. اگر بنا شد تقلید از میت اجازه داده نشود، تقلید از اینها هم جایز نیست. پس در متن درسی صفحه ۴۴ بعد از آن دو اقتراح این عبارت اضافه شود: «تُلحق بالموت الحالات التي فيها مناطه كالموت السريري و اخوانه كالغيبوبة و الغشيان في حالة عروضها لا بقاءً و لا ابتداءً.»

مسئله ۱۱

«لا يجوز العدول عن الحي الى الحي الا اذا كان الثاني اعلم.»

توضیحات

۱- این مورد بسیار پیش می آید که افراد تقلید را از آقایی شروع می کنند، اما به جهاتی تصمیم می گیرد مجتهد زنده دیگری را انتخاب کند که صاحب عروه می فرماید جایز نیست، مگر اینکه فرد دوم اعلم باشد. آیا عبارت «الا اذا كان الثاني اعلم» بیانگر وجوب عدول به فرد دوم است که اعلم می باشد یا جواز عدول را بیان می کند؟ در اینجا «الا» استثنا از «لا يجوز» است. آیا این استثنا بیانگر جواز بالمعنی الاخص است یا جواز بالمعنی الاعم تا با احتیاط واجب سازگار باشد؟ در اینجا باید مسئله ۱۲ و ۳۴ نیز به عنوان متمم این مسئله مد نظر باشد. اگر صاحب عروه تقلید از اعلم را واجب بداند، عبارت مورد بحث، بیانگر وجوب عدول است. اما اگر تقلید از اعلم جایز باشد، عبارت مذکور، استثنا از لایجوز است. اگر تقلید از اعلم به احتیاط واجب باشد، قهراً عبارت مذکور بیان عدول به اعلم به احتیاط واجب است. سید ماتن تقلید از اعلم را احتیاط واجب می داند، بنابراین، جواز عدول در عبارت «الا اذا كان الثاني اعلم» بیان جواز بالمعنی الاعم و عدول به احتیاط واجب می باشد.^۱

۲- اگر مکلف از حی به حی عدول کرد و به نظر صاحب عروه عمل نکرد آیا تقلید وضعاً اشکال دارد یا تکلیفاً هم حرام است؟ یا اینکه فقط حرمت وضعی دارد نه حرمت تکلیفی؟

توجه: منظور سید از عدم جواز عدول از حی به حی، موردی نیست که تقلید از نفر اول صحیح نبوده است، بلکه ایشان تقلید صحیح را مد نظر دارند.

۱. متممهای مسئله ۱۱، مسائل ۱۲، ۱۳ و ۳۴ می باشد.

و قوله - قدس سره - «الا اذا كان الثاني اعلم» كانه استثناء من عدم الجواز وضعا و تكليفا فيفيد الجواز الذي لا ينافي تعيينه (الجواز بالمعنى الاعم) لكننا عالمين بقريئة ما سيذكره في المسألتين : ١٢ و ٣٤ انه على الوجوب احتياطاً. و القول بعدم الجواز وضعا بمعنى عدم الحجية والاعتبار واضح و لكن الرأى به تكليفاً قد يضيّق عليه بعدم حرمة محض العدول تكليفاً؛ بعد عدم ترتب شىء من الاثر عليه؛ نعم لو كان فى ذلك تشريع و استناد لحرمة ذلك بتاتا.»

آيا كسى كه عدول كرده، تكليفاً هم تقليد او حرام است يا صرفاً به حكم وضعى صحيح نيست؟ تقليد باطل، حرمت تكليفي ندارد. بله اگر بخواهد نظر خودش را اعمال كند و تشريع و بدعت گذارى باشد، از اين باب حرمت تكليفي دارد.

تذکر: مسئله عدم جواز يا جواز رجوع از حى به حى، فقط در تقليد معمولى برده شده است و تقليد معمولى اين بود كه مكلف از مجتهدى تقليد كند. اما يك بحث هم تبعيت و زعامت است كه بحث آن از تقليد معمولى جدا نشده است. صاحب عروه هم مانند ساير فقها كه بر عروه حاشيه دارند، اصلاً بحث در زعامت نبرده اند و الا اگر كسى بخواهد در بحث رهبرى و زعامت بحث كند، بايد جداگانه بحث شود. البته در جايي كه تعدد زعيم باشد و الا اگر تعدد زعيم نباشد مورد ندارد.

تعليقات

اين مسئله دو بند دارد: «١- لا يجوز العدول عن الحى الى الحى. ٢- الا اذا كان الثانى اعلم.»

علما ذيل اين دو فقره حاشيه دارند:

١- «لا يبعد الجواز و ان كان احوط.»

اين احتياط غير واجب است، زيرا بعد عبارت «لا يبعد» آمده است و اين عبارت، فتوا است. فقها فرموده اند: وقتى فقيه بعد از فتوا احتياط كند، اين احتياط واجب نيست، زيرا بين فتوا و احتياط واجب نمى توان جمع كرد. مطابق اين تعليقه مراجعه به فالاعلم هم نمى خواهد و مى تواند از حى به حى رجوع كند. مضافاً اينكه اين رجوع، حدو حصر ندارد و مى تواند؛ مثلاً در هر هفته از يك نفر تقليد كند.

٢- «على الاحوط»، يعنى على الاحوط لايجوز.

احتياط در اينجا، احتياط واجب است. تفاوت على الاحوط با عبارت سيد ماتن كه فرمود «لايجوز» در آن است كه بنا بر نظر سيد ماتن كه فتوا است، مقلد حق رجوع به فالاعلم ندارد. اما فقيهى كه مى گويد «على الاحوط»، اگر اجازه دهد كه در احتياطش به ديگران (فالاعلم) مراجعه كند^١ مقلد مى-توان به فقهايي كه رجوع را جايز مى دانند تمسك كند.

تذکر: «على الاحوط» چون ذيل «لايجوز» است، احتياط واجب مى شود. يعنى احتياط واجب آن است كه مراجعه نكند.

^١. برخى رجوع به ديگران در احتياطات اجازه نمى دهند و اين اجازه رجوع يا عدم اجازه بر اساس مبناى فقهى مى باشد.

۳- «فی المسألة التي عمل بها و فی غيرها علی الاحوط الاولى».

تفصیل بین مسائلی که مقلد به آنها عمل کرده و مسائلی که عمل نکرده تفصیل داده می‌شود؛ بنابراین در مسائلی که عمل کرده باشد، عدول جایز نیست، اما در مسائلی که عمل نکرده است، عدول جایز است، اگرچه به احتیاط اولی به نظر همان فقیه اول عمل نماید و عدول نکند.

۴- «لا یبعد جواز العدول و کونه استمراریا.»¹

ممکن است کسی بگوید عدول جایز است؛ اما فقط برای یک‌بار، اما این فقها می‌گویند می‌تواند استمراری هم باشد. چگونه می‌توان به این فتوا ملتزم شد؟ مثلاً مکلف از مجتهدی تقلید می‌کرد که نظر او این بود در سفر نماز شکسته است و هفته بعد از فقیه دیگری تقلید می‌کند که او نماز در سفر را تمام می‌داند. حُب در دو سفر مشابه در یک هفته شکسته خوانده و در یک هفته تمام خوانده است. آیا این مشکلی دارد؟ یا مثلاً مجتهدی می‌گوید هبه خمس ندارد و بعد به مجتهد حی دیگری رجوع می‌کند او می‌گوید هبه خمس دارد؟ آیا این صحیح است؟ و آیا می‌توان گفت حُب تقلید کرده است؟

۵- «علی الاحوط؛ اذا علم باختلاف فتوی المجتهدین فی المسائل المبتلی بها و الا فیجوز.»

«علی الاحوط» یعنی مقلد نمی‌توان به احتیاط واجب از حی به حی دیگر عدول کند. این حکم مشروط به این شرط است: «اذا علم باختلاف فتوی المجتهدین فی المسائل المبتلی بها و الا فیجوز.» در مسائلی که می‌داند مجتهدین یعنی زنده با زنده، با یکدیگر اختلاف دارند که گاهی مسائل مبتلا به مقلد نیست؛ مانند احکام مخصوص بانوان که این هیچ، اما در مسائل مبتلا به نمی‌تواند عدول نماید؛ بنابراین اگر می‌داند که در آن مسائل مبتلا به اختلاف ندارند یا شک دارد که اختلاف دارند یا خیر؟ عدول از حی به حی جایز است.

۶- «لا بأس به فی مورد التساوی و ما لم یعمل مطلقاً.»

در این نظر، تساوی دو مجتهد زنده اضافه شده است. در موردی که یکی اعلم است باید به اعلم مراجعه شود و اگر هر دو مساوی هستند، عدول از حی به حی اشکالی ندارد؛ بنابراین اگر حی گذشته، اعلم بود، رجوع صحیح نیست و این فرض، مورد نظر سید ماتن نبوده است. همچنین به هرچه از مسائل عمل نکرده می‌تواند رجوع کند.

آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

¹. این تعلیه را مرحوم کاشف الغطاء و آقاضیاء عراقی (اراکنی) بیان کرده‌اند.